

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و سوم

بهار ۱۴۰۲

بررسی و تحلیل نقش سیاسی و فرهنگی شاه طاهر در گسترش مذهب تشیع
در دکن عصر نظام شاهیان (۱۰۰۴-۸۹۶ ه.ق)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۳/۸

- ۱ سیاوش یاری
۲ مسلم سلیمانی یان
۳ فاطمه محسن بیگی

نظام شاهیان (حک: ۱۰۴۶-۸۹۵ ه.ق) یکی از امارت‌های مهم شیعی در دکن در جنوب هندوستان بود که توسط احمد نظام شاه (۹۱۶-۸۹۵ ه.ق) با مرکزیت شهرهای «جونار» و «احمدنگر» تأسیس شد. یکی از مسائل مهم در پیوند با این حکومت، جایگاه و نقش نخبگان و عالمان شیعی همچون شاه طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) در تحولات مذهبی حکومت و جامعه‌ی مسلمانان هند در این دوره است. پژوهش حاضر می‌کوشد با روش توصیفی - تحلیلی نقش شاه طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) را در ترویج و گسترش مذهب تشیع در دکن بررسی کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از سیاست به نفع مذهب تشیع، زمینه‌سازی اذهان عموم، تشکیل جلسات مناظره با علمای

۱. دانشیار دانشگاه ایلام، تاریخ اسلام، (نویسنده مسئول) (s.yari@ilam.ac.ir).

۲. استادیار تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه ایلام (m.soleimanian@ilam.ac.ir).

۳. کارشناسی ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه ایلام (f.mesenbigi1397@gmail.com).

مختلف، دعوت از عالمان مشهور شیعه برای تدریس در مدرسه «لنگر دوازده امام» در احمدنگر، اعمال نفوذ بر حکمرانان نظام‌شاهی، تدریس در مدرسه‌های مذهبی احمدنگر، حمایت از برگزاری مراسم عاشورای حسینی، تلاش برای برقراری مناسبات حسنه بین نظام‌شاهیان و صفویان و جلب کمک‌های شاه‌طهماسب، استفاده کوتاه‌مدت از تقیه به هنگام خطر و زمینه‌سازی برای مهاجرت شیعیان ایرانی به دکن از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های شاه‌طاهر در ترویج مذهب تشیع در فلات دکن بوده است که تأثیرات شگرفی در زمینه حیات علمی و فرهنگی و اجتماعی شیعیان هند بر جای گذاشت.

کلیدواژگان: شاه‌طاهر، نظام‌شاهیان، شیعیان هند، دکن، احمدنگر.

مقدمه

تشیع در ساختن تمدن عظیم اسلامی در شبه‌قاره هند نقش مهمی ایفا نموده است؛^۱ این مهم هم‌زمان با حکومت صفویه (حک: ۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق) تسریع بیشتری یافته است. چون هم‌زمان با تشکیل حکومت صفویه در ایران، حکومت‌های متقارن شیعی در منطقه دکن در جنوب هند شکل گرفت که فضایی به نسبت مناسب در اختیار مهاجران مسلمان قرار داد. از ایرانیانی که عموماً به دلایل سیاسی جلای وطن نموده و عمدتاً از قشر فرهیخته ایرانی بودند با روی باز استقبال کرده و زمینه را برای رسیدن این افراد به مقامات مهم کشوری و لشکری فراهم می‌کردند. این شرایط مناسب سیاسی و اجتماعی زمینه‌ساز رشد و گسترش تشیع در گستره مکانی و زمانی پژوهش حاضر شد.

۱. هالیستر، تشیع در هند، ص ۱۱۲-۱۱۳.

به طور کلی سه گروه از نخبگان ایرانی به هندوستان مهاجرت کردند که نقش مهمی در تحولات فرهنگی هندوستان ایفا کرده‌اند؛ اولین گروه، سادات سیفی^۱ و خواندیه قزوین بودند؛^۲ دومین گروه از مهاجران، فرزندان آقاملا دواتدار قزوینی هستند. آقاملا از رجال دربار شاه طهماسب صفوی (حکومت: ۹۸۱-۹۳۰ ه.ق) بود و مدتی به شغل ایشیک آغاسی‌باشی (مسئول تشریفات) اشتغال داشت.^۳ سومین گروه از دیوان سالاران و امراء مهاجر، افرادی بودند که ظاهراً به خاندان‌های بسیار معروف وابسته نبودند.^۴

یکی از نخبگان و علمای ایرانی که با سادات خواندیه قزوین منتسب و به دلایل سیاسی در دوره نظام‌شاهیان (۱۰۴۶-۸۹۵ ه.ق) به هندوستان مهاجرت کرد، شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) است. وی از عالمان بزرگ شیعی و سادات قزوینی بود که از سیاست به عنوان حربه‌ای برای گسترش مذهب تشیع سود می‌جست، به همین جهت با زیرکی خاصی وارد دستگاه حکومتی نظام‌شاهیان (۱۰۴۶-۸۹۵ ه.ق) شد و به سرعت مراتب ترقی را طی نمود و توانست با درایت خود مذهب تشیع را به عنوان مذهب رسمی نظام-شاهیان (۱۰۴۶-۸۹۵ ه.ق) تثبیت کند. او با تأسیس یک مرکز علمی در زمان حیات خویش، زمینه ترویج تشیع را در آن زمان در هند فراهم نمود. وی علاوه بر تلاش‌های سیاسی موفق در گسترش تشیع، در عرصه علمی نیز از چهرهای برجسته زمان خویش بود. شاه‌طاهر علاوه بر رابطه با سلطان و ایفای نقش مهم در مسائل سیاسی و اجتماعی، در حوزه علم و فرهنگ نیز نقش به‌سزایی در جامعه دکن ایفا کرد.

۱. شاهنوازخان، مآثرالامراء، ص ۸۱۳-۸۱۲.

۲. فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳، ص ۳۵۸.

۳. منشی قمی، خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۳۴۱.

۴. علامی، اکبر نامه، ج ۳، ص ۱۷۲-۱۷۳.

درواقع جزء اولین کسانی بود که مردم دکن را با فرهنگ و معارف اسلامی آشنا کرد و تعالیم اسلامی را در جنوب هند رواج داد. وی به دلیل روابط نزدیک با مردم به خوبی توانست بر توده‌های مردم تأثیر گذاشته و آنان را با فرهنگ رایج در دیگر سرزمین‌های اسلامی، آشنا سازد؛ بنابراین پژوهش حاضر می‌کوشد به ابعاد و زوایای نقش این عالم شیعی در تحولات مذهبی دکن در عصر نظام‌شاهیان (۱۰۴۶-۸۹۵ ه.ق) بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین اقدامات شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) در گسترش مذهب تشیع در هندوستان چه بوده است؟ همچنین تحقیق حاضر در پی آن است تا ابهاماتی را که در مورد شخصیت مذهبی شاه‌طاهر وجود دارد به بوت‌نقد و بررسی بگذارد.

پیشینه تحقیق

در رابطه با جایگاه نخبگان، دیوان‌سالاران، علما و دانشمندان در نشر و گسترش مذهب تشیع در هند و از جمله منطقه‌ی دکن؛ پژوهش‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است که کم‌وبیش به موضوع پژوهش حاضر هم اشاراتی دارند. از جمله «جان نورمن هالیستر» در کتاب «تشیع در هند»، «عباس اطهر رضوی» در کتاب «شیعه در هند»، «راضیه نجاتی» در کتاب «نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در هند از حمله مغول تا پایان صفویه»، «خدیدجه عالمی» در کتاب «ملوک بهمنی و جایگاه تشیع در دکن»، «محسن معصومی» در کتاب «فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی دکن در دوره بهمنیان» و تعدادی دیگر از محققان ایرانی و غیر ایرانی در این باره سخن رانده‌اند ولی هیچ‌کدام به صورت مستقل و مبسوط به موضوع این مقاله نپرداخته‌اند. علاوه بر کتاب‌های فوق در برخی مقالات نیز پیرامون این موضوع مطالبی بیان شده است. «سیاوش یاری» و «مریم کناریوند» در مقاله «نقش دیوان‌سالاران ایرانی در گسترش تشیع در دکن عصر بهمنی‌ها (مطالعه موردی میر فضل‌الله اینجوی و محمودگاوان)» در مجله مطالعات شبه‌قاره بسیار مختصر در این باره مطالبی بیان کرده‌اند. «نیره دلیر» و «خدیدجه سهراب‌زاده» در مقاله «جستاری در تغییر

مذهب نظام‌شاهیان (۱۰۴۶-۸۹۵ ه.ق) دکن؛ بازخوانی روایات تاریخی» در مجله تاریخ اسلام به صورت کلی تحولات مذهبی این دوره را مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند. «محمود صادقی علوی»، در مقاله «تأثیر حکومت‌های شیعه‌مذهب دکن در گرایش به تشیع در این منطقه» در مجله شیعه پژوهی به نقش حکومت‌های شیعی در تغییر و تحولات مذهبی دکن پرداخته است. مقاله «محسن معصومی» و «فاطمه اصغری»، تحت عنوان «پیامد مهاجرت شیعیان به دربار حکومت‌های شیعی دکن (قطب‌شاهیان، عادل‌شاهیان، نظام‌شاهیان)» در مجله پژوهش‌نامه تاریخ و تمدن اسلامی، معطوف به پیامدهای مهاجرت شیعیان در این منطقه است. وجه تمایز پژوهش پیش‌رو با مطالعات پیشین این است که هیچ‌کدام از آن آثار به صورت مستقل، جامع و مانع به موضوع حاضر ورود پیدا نکرده‌اند، از این جهت تحقیق حاضر برای نخستین بار می‌کوشد این موضوع را در کانون مذاقه و بررسی قرار دهد و نقش شاه‌طاهر را در ترویج و تعمیق مذهب تشیع در شبه‌قاره هند را تبیین کند.

۱. زمانه و زندگی شاه طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) در ایران

شیخ طاهر بن رضی‌الدین بن مومن شاه بن محمدشاه بن محمد بن الجلال بن الحسین بن محمد بن الحسن بن علی بن نزار بن المنتصر بن اسماعیل عبیدی (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق)^۱ از سادات خواندیه قزوین است که در زمان اولجایتو (حکومت: ۷۱۶-۷۰۳ ه.ق) در سلطانیه ساکن شدند و حدود سیصد سال به ارشاد مردم پرداختند.^۲ شوشتری (متوفی ۱۰۱۹ ه.ق) در مجالس‌المومنین درباره‌ی پیشینه «خواندیه» عنوان می‌دارد که بعضی از خلفای علویه اسماعیلیه در زمان دعوت حسن صباح از مصر به عراق عجم آمدند و به خواندیه شهرت

۱. حسنی، نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، ج ۴، ص ۳۵۸.

۲. فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳، ص ۳۵۸.

یافتند.^۱ در مورد محل تولد و محل زندگی شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) گزارش‌های مختلفی موجود است؛ عده‌ای وی را متولد همدان و برخی دیگر محل تولد او را کاشان دانسته‌اند و کسانی مانند هدایت در ریاض‌العارفین، محل تولد وی را همدان و شهر کاشان را مکان زندگی شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) معرفی می‌کنند.^۲

شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) در دوران سکونت خود در کاشان بیشتر علوم متداول در آن برهه از زمان را نزد علمایی مانند مولانا شمس‌الدین محمدخفری آموخت.^۳ او بر علوم نظیر حدیث، فقه، فلسفه، ریاضیات و نیز رمل و جفر احاطه یافته بود. شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) علاوه بر تفسیر قرآن در نظم و نثر نیز تبحر ویژه داشته است. البته تمایل وی بیشتر سرودن اشعار مذهبی بود.^۴ این استعداد نهفته در وجود وی، زمینه‌ساز حضور وی در دربار شاه اسماعیل صفوی (حکومت: ۹۳۰-۹۰۷ ه.ق) گردید؛^۵ به طوری که شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) زندگی صوفیانه خود را رها نموده و در سال ۹۲۶ قمری به دربار صفوی پیوست.^۶

۱-۱. **رخدادهای سیاسی موثر در پیوند شاه‌طاهر با دربار نظام‌شاهیان**

(۱۰۴۶-۸۹۵ ه.ق)

ساکنان دکن پیش از ورود اسلام و مسلمانان تحت تأثیر آیین هندو و بودائی بودند. آئین‌هایی که هرچند با خرافات و آداب رسوم غلط همراه گشته بودند، ولی به دلیل

۱. شوشتری، مجالس‌المومنین، ج ۲، ص ۲۳۴.

۲. هدایت، ریاض‌العارفین: ص ۱۲۳.

۳. شوشتری، مجالس‌المومنین، ص ۲۳۵؛ معصوم علی‌شاه، طرائق‌الحقایق، ج ۳، ص ۱۳۳.

۴. بیگ باباپور و دیگران، شیعیان شکرستان هند (تذکره شعرا و ادبای شیعی در شبه‌قاره هند)،

ص ۱۸۹.

۵. گویاموی، الافکار تذکره نتایج، ص ۴۸۵.

۶. نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن ۱۰ هجری، ج ۱، ص ۳۶۷.

مردمانی نرم‌خو و آرام، زمینه برای ورود صوفیان که یکی دیگر از عوامل گسترش اسلام و تشیع در این منطقه بودند را فراهم آورده بود. وجود قدرت‌های پراکنده و عدم یکپارچگی سیاسی این مناطق باعث شد که حاکمان این سرزمین با جذب مسلمانان بر رقیبان خود پیروز شوند. بدین ترتیب نخستین حکومت‌های اسلامی شکل گرفت که خود زمینه‌های گسترش اسلام و تشیع را در این منطقه بیش از پیش فراهم نمود. براین اساس؛ در صورت وجود همگونی و مشترکات بین جامعه مبدأ و مقصد، آیین تازه به‌خصوص به جهت تازگی و کارایی سیاسی و اجتماعی آن با سرعت بیشتری انتشار می‌یابد. علاوه بر همه عوامل مذکور، عملکرد و رفتارسیاسی- اجتماعی حاملان ایده جدید نقش مهمی در نفوذ و گسترش اسلام ایفا می‌کند. اهل قلم و صاحبان فکر و اندیشه بودند که در شبه‌قاره هند از جمله دکن بار اصلی انتقال تشیع را بر دوش کشیدند. مناسبات سیاسی، فرهنگی و تجاری ایران با شبه‌قاره و دکن از مهم‌ترین عوامل نشر و گسترش تشیع در این ناحیه بود. نفوذ و فعالیت‌های شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) در عرصه علمی سبب‌ساز گسترش مریدان و شاگردان زیادی در اطراف وی شد. شاه‌اسماعیل که خود و پیشینیانش از طریق مرید پروری صاحب قدرت شده بودند، بعد از به دست گرفتن حکومت ایران، تغییر رویه داده سعی داشت تمامی طرایق صوفیه را از بین ببرد؛ در نتیجه شاه از رونق، نفوذ و فراوانی مریدان شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) و طریقت خواندیه رضایت نداشت. از سوی دیگر میرجمال‌الدین استرآبادی که در دربار صفوی نفوذ داشت دائماً به این نارضایتی دامن زده و شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) را به بی‌دینی متهم کرده و سعی در افزون نمودن این دشمنی داشت. میرزا شاه‌حسین اصفهانی که در دربار شاه‌اسماعیل منزلتی داشت و از لحاظ تمایل به تصوف با شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) اشتراک عقیده داشت و از مریدان وی بود، او را از خطر آگاه نمود و به شاه‌طاهر توصیه نمود تا در ظاهر دست از مرید پروری بکشد تا خطری وی را از جانب شاه تهدید نکند. شاه‌طاهر به این توصیه عمل نمود و به دیدار شاه‌اسماعیل رفت و با وساطت میرزا شاه‌حسین اصفهانی از طرف شاه صفوی کرسی

تدریس کاشان را دریافت نمود.^۱ در کاشان باز دوستداران اطراف وی را گرفتند به طوری که مجالس تدریس او چنان پرجمعیت شد که موجب وا همه رؤسای شهر کاشان شد. از آنجا که نسب شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) به خلفای اسماعیلی می‌رسید،^۲ روسای شهر برای شاه‌اسماعیل پیام فرستادند که این شاه‌طاهر رهبر اسماعیلیان است و مانند حسن صباح (۵۱۸-۴۴۵ ه.ق) در جهت ترویج این مذهب گام برمی‌دارد و اکنون ملحدان و زندیقان بر او مجتمع گشته‌اند و برای شریعت پیامبر دیگر رونقی نمانده و همچنین وی را متهم به مکاتبه و مراسله با دیگر سلاطین نمودند. شاه‌اسماعیل دیگر درنگ را جایز ندانست و فرمان قتل شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) را صادر نمود و افرادی را برای این امر راهی کاشان نمود. میرزا شاه‌حسین نیز بدون تعلل، شاه‌طاهر را از این جریان آگاه نمود و از وی خواست سریع خاک ایران را ترک نماید. شاه‌طاهر نیز قبل از رسیدن مأموران حکومتی کاشان را ترک و از سمت بندرگوا (بندرعباس کنونی) به سوی هند حرکت و از طریق بندر مصطفی‌آباد وارد هندوستان شد.^۳ او با درخواست حاکم قصبه پرنده به کار آموزش مشغول شد.^۴

حضور یک‌ساله مولانا پیر محمدشروانی (۱۰۹۸ ق) در قامت یک شاگرد و یک شخصیت علمی اثرگذار در مکتب درس شاه‌طاهر، زمینه شهرت علمی شاه‌طاهر را در جنوب‌دکن فراهم نمود. مولانا پیرمحمد در بازگشت به احمدنگر برای «برهان نظام‌شاه» توضیح داد که چگونه از درس شاه‌طاهر بهره‌مند شده است. برهان نظام‌شاه (حکومت: ۹۶۱-۹۱۴ ه.ق) که از

۱. معصوم علی‌شاه، طرائق‌الحقایق، ج ۳، صص ۱۳۶-۱۳۷؛ ۱۲۵-۱۲۶.

۲. فاروق فرقانی، تاریخ اسماعیلیان قهستان، ۲۹۵؛ امین، اسماعیلیان و مغول و خواجه‌نصیرالدین

طوسی، ۲۳۲؛ بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ج ۱: ص ۲۷۷۱.

۳. خورشاه بن قباد حسینی، تاریخ ایلچی نظام‌شاه، صص ۳۲۶-۳۲۷.

۴. فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳، ۳۶۰؛ طباطبا، برهان‌مآثر، ص ۲۵۴.

هم‌نشینی با علما لذت می‌برد، پیرمحمد را بار دیگر به پرنده فرستاد تا شاه‌طاهر را به احمدنگر دعوت کند. در نتیجه شاه‌طاهر در سال ۹۲۸ قمری با استقبال رسمی سلطنتی وارد احمدنگر شد. طولی نکشید که درایت ویژه وی مورد توجه برهان‌شاه قرار گرفت و به‌عنوان مشاور اصلی شاه انتخاب شد.^۱

۲. کارکرد عناصر مشترک در پیوند شاه‌طاهر و نظام‌شاهیان به مذهب تشیع

بحث عناصر فرهنگی - تاریخی مشترک پدیده‌ای چندوجهی است که از ساده‌ترین تا گستره موضوع سیاسی، اجتماعی و مذهبی را در برمی‌گیرد؛ لذا امر ثابتی نیست بلکه بر اساس جدلی بین شبکه معنایی ذهن و نظام سیاسی، اجتماعی و مذهبی پیرامون رخ می‌دهد. براین اساس، یکی از محمل‌هایی است که پیوند مشترک میان ملت‌ها را می‌توان به‌وفور در آن جستجو کرد.^۲ یکی از دوره‌های مهم تاریخ هند در کشف مبانی مشترک هویت‌بخش، دوره حکمرانی نظام‌شاهیان است. درزمینه چرایی گرایش و تغییر مذهب نظام‌شاهیان از تسنن حنفی به تشیع اثناعشری و نقش شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) در تحقق این مهم، نظرات مختلفی وجود دارد. بعضی از مورخان با اشاره به بیماری «عبدالقادری» فرزند «برهان نظام‌شاه» (حکومت: ۹۶۱-۹۱۴ ه.ق) در سال ۹۴۴ قمری و ناامیدی پزشکان مسلمان و غیرمسلمان از درمان او، می‌گویند که شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) که منتظر فرصتی برای ترویج تشیع بود با احتیاط کامل از برهان نظام‌شاه که از درمان فرزند

۱. فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳، ص ۳۶۱-۳۶۲؛ معصوم‌علیشاه، طرائق‌الحقایق، ج ۳،

ص ۱۳۷-۱۳۸؛ اطهر رضوی، شیعه در هند، ج ۱، ص ۴۴۸-۴۴۹.

۲. زلیخا امینی و رضوی، سید ابوالفضل، خودی و دیگری مذهبی در تاریخ‌نگاری عالم‌آرای امینی، مجله تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری دانشگاه الزهراء، دانشگاه الزهراء، سال بیست و هفتم، دوره جدید،

شماره ۱۹، پیاپی ۱۰۴، ص ۳۰.

نامید شده بود، خواست تا نذر کند که اگر فرزندش شفا یابد، دستور دهد خطبه به نام دوازده معصوم خوانده شود. برهان نیز که چاره‌ای دیگر نداشت این درخواست شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) را پذیرفت.^۱ شاه‌طاهر در صد بود با آشناسازی برهان نظام‌شاه با فرهنگ شیعی نه تنها از میزان آسیب و تخریب حاکمان دکن علیه شیعیان در این سرزمین بکاهد، بلکه از وجود وی همچون عاملی وحدت‌بخش به منظور انسجام شیعیان دکن تحت لوای حکومتی بیگانه سود جوید.

به گفته مؤلف «تاریخ فرشته» برهان در آن شب خواب پیامبر اسلام را دید که به وی گفت: «ای برهان خدای تعالی به برکت علی و فرزندانش، عبدالقادر را شفا بخشید باید که از گفته فرزندم تجاوز نمایی». برهان پس از بیداری و اطمینان از سلامت فرزند، شاه‌طاهر را به دربار فراخواند و به استقبال وی شتافت؛ و گفت: «آنچه لوازم اثنا عشری است تلقین کن تا به آن قیام نمایم»؛ و بدین وسیله برهان شاه و تمامی اهل حرم به مذهب اثنا عشری روی آوردند.^۲ این که چنین پیشگوئی‌هایی از جانب صوفیان صورت گرفته باشد یا نه، جای بحث است؛ و احتمال دارد مورخان و نویسندگان این روایات را در دوره فرزندان و جانشینان وی جهت خوش‌آیند این پادشاهان ساخته باشند. باین حال، حتی اگر روایات فوق را جعلی به حساب آوریم، بازهم رواج این مطالب در دوره نظام‌شاهیان و ذکر آن در اکثر تواریخ و تذکره‌هایی که در این دوره و پس‌از آن نوشته شده است، نشانگر اهمیت و اعتبار صوفیان نزد سلاطین و مردم دکن است، زیرا این پادشاهان برای کسب اعتبار و جلب حمایت مردم، به این قبیل سخنان متوسل می‌شدند.^۳

۱. معصوم‌علیشاه، طرائق‌الحقایق، ج ۳، ص ۱۳۹، فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳، ص ۳۶۳-۳۶۴.

۲. فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳، ص ۳۶۵-۳۶۷.

۳. معصومی، نقش صوفیان در تشکیل و تداوم حکومت بهمنیان، ص ۱۴.

نویسندگانی مانند فرشته و شوشتری در تاریخ خود به داستان خواب برهان و شفای بیماری عبدالقادر به عنوان یکی از عوامل تشیع نظام شاهیان اشاره نموده‌اند؛ این در حالی است که فردی مانند علی بن طباطبا (۱۰۳۸ ق) بدون اشاره به شفای عبدالقادر سعی دارد به خواننده القا کند که برهان‌شاه پیش از قبول تشیع، گرایش‌های شیعی داشته و شاه‌طاهر نیز که در ابتدای ورود به دربار احمدنگر سعی در تقیه داشت در میان مباحثات خود با علمای سنی، احکام امامیه را به صورت‌های مختلف مطرح می‌نمود. در نتیجه برهان‌شاه پی برد که شاه‌طاهر سنی نیست و با اصرار و دادن تعهد مبنی بر در امان بودن جان، شاه‌طاهر وی را مجبور کرد تا مذهبش را فاش نماید.^۱ شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) به استناد آیه تطهیر و لزوم شناخت امام عصر(ع) و در جهت اثبات گفته‌های خود به آثار تفتازانی از علمای اهل سنت استناد نمود. برهان که تحت تأثیر کلام شاه‌طاهر قرار گرفته بود پذیرفت که شیعه برترین مذهب است. طباطبا در ادامه مانند دیگر نویسندگان به خوابی اشاره دارد که برهان‌شاه و شاه‌طاهر هم‌زمان در یک‌شب می‌بینند که پیامبر اسلام ﷺ و برخی از امامان شیعی علیهم‌السلام از آنان می‌خواهند تا در جهت پر پا داشتن تشیع اقدام نمایند و بعد از این خواب، برهان به شاه‌طاهر اظهار داشت که جای هیچ‌شکی در حقانیت تشیع نیست و شاه‌طاهر را تشویق به مباحثه با علمای چهارگانه اهل سنت می‌نماید.^۲ به‌طور کلی، شاه‌طاهر، استقلال خویش را در امور دینی حفظ کرد و به دلیل نفوذ فراوان در میان مردم، سلاطین نظام‌شاهیان مجبور به پذیرش خواست و نظرات وی بودند.

واقعیت این است که تبیین علت گرایش نظام‌شاهیان (۱۰۴۶-۸۹۵ ه.ق) به تشیع با استفاده از رؤیا و خواب، نارسا و ناکافی خواهد بود، بنابراین به نظر می‌رسد توسل به رؤیا

۱. طباطبا، برهان‌مآثر، ص ۲۵۹-۲۶۳.

۲. لین‌پول، تاریخ طبقات سلاطین اسلام، ص ۷۸.

توسط شاهان نظام شاه، معمولاً به‌منظور کاهش فشار و تعدی حکومت‌ها و شخصیت‌های اهل تسنن در دکن بوده است. چنین مواردی در تاریخ ایران نیز بی‌سابقه نبوده است؛ به‌عنوان نمونه نظیر این امر را در مورد سلطان محمد خدابنده از شاهان تیموری ذکر نموده‌اند.^۱ هرچند ممکن است تلاشی بوده باشد که با استفاده از این تشابه‌سازی، امرای نظام‌شاهیان را با فرهنگ کشورداری ایرانی آشنا ساخته و در نتیجه آنان، از این اصول و مبانی جهت کشورداری و مراقبت از امنیت و آرامش در جامعه استفاده کنند. چنان‌که تاریخ فرشته نیز که مهم‌ترین منبع در بحث نظام‌شاهیان است بحث رؤیا دیدن برهان‌شاه را با این جملات به پایان می‌رساند: «آنچه به نزد این درویش دل‌ریش به ثبوت پیوسته که خواب برهان شاه و غازان خان همه هیچ و پوچ بوده، چه که مردم رفته برای ترویج و ترغیب مذهب خود بالعکس به قلم می‌آورند».^۲ داستان این خواب با اندک تفاوت‌هایی در منابع آن عصر انعکاس یافته است.^۳

البته باید به این نکته اشاره نمود که در آن برهه از زمان، بحث خواب دیدن در اذهان جامعه مذهبی آن زمان تأثیرگذار و مورد پذیرش قرار داشت؛ زیرا شیعیان این خواب‌ها را به‌عنوان تأیید قطعی برتری مکتب شیعه تفسیر کردند و سنیان اعتبار و صحت خود خواب را منکر نشدند، بلکه تفسیرهای گوناگونی از این خواب‌ها داشتند.^۴

به‌رغم آنچه از زبان منابع مختلف تاریخی در مورد تغییر مذهب نظام‌شاهیان عنوان شد، این تغییر مذهب از تسنن حنفی به تشیع اثناعشری امری نیست که بتوان آن را

۱. نجاتی حسینی، نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در هند از حمله مغول تا پایان دوره صفویه، ص ۲۲۸.

۲. فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳، ص ۳۷۱.

۳. همان؛ طباطبا، برهان‌مآثر، ص ۲۶۲-۲۵۸؛ شوشتری، مجالس المومنین، ص ۲۳۵.

۴. اطهر رضوی، شیعه در هند، ج ۱، ص ۴۵۶.

به صرف دیدن رؤیا متصل نمود؛ به ویژه که فرماندهان بزرگ نظام‌شاهی همه از حنفیان متعصب بودند و برهان با این اقدام، حامیان خود را از دست می‌داد. ضمن آن که اگر بحث تغییر مذهب ناشی از حقیقت‌جویی برهان‌شاه و دیدن خواب پیامبر مبنی بر پذیرش تشیع باشد این تغییر مذهب نباید بعد از برهان در میان سایر پادشاهان این سلسله ادامه پیدا می‌کرد، این در حالی است که تقریباً سایر پادشاهان این خاندان نسبت به این تغییر مذهب واکنش منفی نداشتند.^۱

برخی عوامل این تغییر مذهب را در شرایط اجتماعی-سیاسی قرن نهم جستجو کرده‌اند.^۲ از جمله روند تحولات سیاسی-اجتماعی به همراه وجود بستر مناسب فرهنگی برای بسط و رونق اندیشه‌ها و تمایلات متنوع شیعی که از قرن هفتم آغاز شده بود، در قرن نهم هجری به ثمر نشست و در مجموع در جو اعتقادات عامه، شرایط مناسبی

۱. دلیر و سهراب‌زاده، جستاری در تغییر مذهب نظام شاهیان دکن، ص ۱۱۶.

۲. با توجه به گسترش تصوف و تشیع در محدوده زمانی عصر مغول تا برآمدن صفویان و عنایتی که برخی حکمرانان به این گرایش‌ها داشتند، موجب شد که فرق دیگری مانند نزاریان هم بتوانند عقاید و اندیشه‌های خود را در گرمی بازار تشیع و تصوف عرضه بدارند و به حیات فکری و اجتماعی خویش ادامه دهند حتی اگر محدودیتی برای نزاریان پدید می‌آمد می‌توانستند در لباس صوفیان یا مبلغان شیعی درآیند اما در اصل به تبلیغ عقاید و اندیشه‌هایی که اکنون پوسته جدید گرفته بود بپردازند. البته در یک نگاه منصفانه باید گفت که داعیان اسماعیلی در برنامه تبلیغی خود پیشرفته بودند، آن‌ها در ابتدا در بین مردم به تبلیغ مذهبشان می‌پرداختند اما به تدریج دریافتند برای پیشبرد برنامه‌های تبلیغی - مذهبی خود باید در میان حکام و سیاست‌مداران پایگاه بیابند، به همین دلیل به تبلیغ و جذب حکام همت گماشتند. (امیر اسمی، اسماعیلیه نزاری ایران از سقوط الموت تا آغاز امامت آقاخان سوم با تأکید بر دوره قاجاریه، ص ۲۴؛ معماری، تاریخ اسماعیلیه انجمن (قرن ۹-۱۲ ه)، ص ۷۷).

برای شیعیان ایجاد کرد. از سوی دیگر قرن نهم هجری با به هم خوردن معادلات قدرت در ایران همراه بود و درواقع یکی از محوری‌ترین نکات تعیین‌کننده در جابه‌جایی قدرت، گرایش‌های مذهبی بود که زمینه‌ساز این تغییر قدرت شد.^۱

به‌رغم تأکید برخی منابع بر اسماعیلی بودن شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق)،^۲ مذهبی که وی در دکن به تبلیغ آن پرداخت و برهان‌شاه را بدان دعوت کرد، مذهب دوازده‌امامی بوده است.^۳ افزون بر این مورد، وجود آثاری در مذهب تشیع دوازده‌امامی مانند شرح باب حادی عشر در کلام و نیز شرح جعفریه (جعفریه) در فقه که به او منسوب است، تأکیدی بر این ادعاست. جدا از آن، امین در کتاب «اسماعیلیان و مغول و خواجه‌نصیرالدین طوسی» عنوان می‌دارد که شاه‌طاهر حسینی (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) بر فلسفه اسماعیلیه تسلط فراوانی داشته و برای فقه جعفری نیز اهمیت ویژه‌ای قائل بوده است، به‌طوری‌که برخی از مردم گفته‌اند وی از پیروان مذهب شیعه اثناعشری است؛ اما معمولاً در هند بین ادیان خلط می‌شود، مثلاً برخی خود را سنی می‌دانند، درحالی‌که هندو هستند و برخی دیگر می‌گویند شیعه هستند، درحالی‌که در حقیقت اهل سنت‌اند و اشتباهاتی از این دست در هند وجود دارد.^۴

۱. قنادی، مبانی مشروعیت دولت صفویه، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۲. خورشیدی، معصومه، ناصری طاهری، عبدالله، فروزش، سینا، نقد و تحلیل رویکرد محققان در ادعای شکل‌گیری فرقه مومن‌شاهی، ص ۱۴۹؛ فاروق فرقانی، تاریخ اسماعیلیان قهستان، ص ۲۹۵؛ امین، اسماعیلیان و مغول و خواجه‌نصیرالدین طوسی، ص ۲۳۲؛ بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ج ۱، ص ۲۷۷۱.

۳. طباطبا، برهان‌مآثر، ص ۲۶۴، فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳؛ دلیر و سهراب‌زاده، جستاری در تغییر مذهب نظام شاهیان دکن، ص ۱۱۲.

۴. امین، اسماعیلیان و مغول و خواجه‌نصیرالدین طوسی، ص ۲۳۷.

دفتری نیز اذعان دارد بر اساس منابع معتبر، مذهبی که شاه طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) در هند تبلیغ نمود و در نتیجه برهان شاه آن را پذیرفت، مذهب اثناعشری بوده است.^۱ وی درباره چرایی این موضوع عنوان می‌دارد که شاه طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) و دیگر پیشوایان نزاری آن عهد، ناچار به مراعات تقیه به صورت شدید بودند؛ و این امر را مسلم می‌داند که شاه طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) صورتی از کنش اسماعیلیه نزاری را که خاص او بود، در زیر نام شیعه اثناعشری تبلیغ می‌کرده است چراکه تشیع اثناعشری برای حکمرانان مسلمان هند که می‌خواستند روابط دوستانه‌ای با سلسله شیعه دوازده‌امامی صفویه داشته باشند، قابل پذیرش تر بود.^۲ معزی نیز در کتاب «تاریخ بدخشان» تبلیغ شیعه اثناعشری از سوی «شاه طاهر دکنی» را به دلیل نزدیکی محمدشاهیان و فرقه اثناعشری می‌داند. به اعتقاد او چون در بدخشان تعدادی از اسماعیلیان تقیه می‌کردند و در منابع اسماعیلیان نام ائمه اثناعشری ذکر شده است، بنابراین چون شاه طاهر، امام محمدشاهی است؛ احساس نزدیکی با این فرقه منجر به تبلیغ اثناعشری در هندوستان توسط شاه طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) شده است.^۳

یکی از مواردی که تلاش شاه طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) برای گسترش تشیع در فلات دکن را اثبات می‌کند؛ استفاده از تقیه، برگزاری مناظره و زمینه‌سازی برای فضای اذهان عمومی بود. بعد از پذیرفتن مذهب تشیع به وسیله خاندان سلطنتی احمدنگر، شاه طاهر به دلیل وجود سنیان متعصب و در نتیجه امکان بروز جنگ داخلی، برهان شاه را از اعلام رسمی تغییر مذهب منع کرد تا بتواند جامعه احمدنگر را برای این تغییر مذهب آماده کند.

۱. دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۵۴.

۲. دفتری، همان، ص ۵۵۴.

۳. خورشیدی و دیگران، نقد و تحلیل رویکرد محققان در ادعای شکل‌گیری فرقه مومن‌شاهی،

در این راستا وی از برهان نظام‌شاه (حکومت: ۹۶۱-۹۱۴ ه.ق) خواست تا برای مشخص کردن بهترین مسائل هر مذهب جلسه‌ای با حضور علمای چهار مذهب فقهی اهل سنت ترتیب دهد. این جلسات حدود شش ماه در مدرسه شاه‌طاهر ادامه یافت و تمامی علمای مذاهب مختلف سعی بر اثبات برتری خود بر دیگری داشتند که شاه‌طاهر، عالمی شیعی به نام شیخ احمد نجفی را دعوت کرد تا در این مناظره‌ها، حقانیت فقه شیعی را اثبات کند که نتیجه آن گرایش بسیاری از درباریان، امیران و برخی از اشراف عالی‌رتبه به تشیع بود.^۱ اصرار شاه‌طاهر بر خواسته‌های خویش و عقب‌نشینی سلطان در برابر وی، از طرفی نشانه‌ی پایبندی شاه‌طاهر بر اصول و قوانین دینی و از طرف دیگر، حاکی از نفوذ فوق‌العاده وی بر برهان‌شاه و در میان مردم است به طوری که برهان‌شاه را با همه قدرت و شوکت مجبور به عقب‌نشینی از عقاید خود کرد. به علاوه این امر نشان می‌دهد در این دوره، اختلافاتی درباره نحوه تعامل بین مذاهب فقهی اهل سنت با حاکمان وجود داشته است.

۳. نقش شاه‌طاهر در دگرگونی تحولات سیاسی - فرهنگی در دکن

دکن سال‌ها قبل از هجوم لشکریان مسلمان، از طریق صوفیانی که از راه دریا و نیز از شمال هند به این منطقه سفر کرده بودند، با اسلام آشنا شد. صوفیان از فرقه‌های مختلف به‌ویژه قادریه و جنیدیه، دکن را منطقه‌ای مناسب برای تبلیغ آرا و عقاید خویش یافتند. ابن بطوطه در سفر به جنوبی‌ترین مناطق دکن، از مقابر و خانقاه‌هایی متعلق به صوفیان مسلمان در سیلان و برخی جزایر دیگر خبر داده است.^۲ در دوره «محمد بن تغلق» حاکم دهلی (حک: ۷۵۲-۷۲۵ ه) شبکه گسترده‌ای از صوفیان در شمال هند

۱. فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳، ص ۳۶۷-۳۶۸؛ اطهر رضوی، شیعه در هند، ج ۱، ص ۴۵۴.

۲. ابن بطوطه، رحله ابن بطوطه، ص ۵۷.

پدیدار گشت. محمد با انتقال پایتخت خویش از دهلی به دولت‌آباد (واقع در شمال دکن)، بسیاری از مردم، اشراف و دانشمندان را به این شهر منتقل کرد. انبوهی از این مهاجران، صوفیانی بودند که به فرقه‌های مختلف تعلق داشتند. صوفیان مهاجر، شهرهای دولت‌آباد، خلدآباد و برخی دیگر از شهرهای جنوبی را مکانی مناسب برای تبلیغ عقاید خویش یافتند و به سرعت، مشکلاتی را که پس از انتقال پایتخت، در ارائه تعالیم و نیز امور خانقاه‌ها ایجاد شده بود، ترمیم و بازسازی کردند.^۱ به همین دلیل، مقارن شکل‌گیری نظام‌شاهیان، شهرهای دولت‌آباد و خلدآباد محل تجمع انبوهی از صوفیان برجسته و عالمان و فقیهان گردید. هم‌زمان در ایران نیز صفویه به قدرت رسید و تشیع را مذهب رسمی اعلام کرد. حکومت نظام‌شاهیان (۱۰۴۶-۸۹۵ ه.ق) به اهمیت حمایت شاهان صفویه از مذهب تشیع وقوف داشتند، به همین جهت با عنایت به موقعیت راهبردی دکن و تهاجم همسایگان این حکومت از جمله عادل‌شاهیان و گجراتی‌ها درصدد برقراری ارتباط با شاهان صفوی و جلب حمایت این سلسله برآمدند؛^۲ به‌گونه‌ای که روابط نظام‌شاهیان دکن با حکومت صفویه در عصر شاه‌طهماسب صفوی آغاز گردید.^۳ منابع

۱. معصومی، نقش صوفیان در تشکیل و تداوم حکومت بهمنیان، ص ۳.

۲. موسوی، نقش عالمان شیعه مهاجر ایرانی در گسترش معارف شیعی دکن (مطالعه موردی دوره عادل‌شاهیان و نظام‌شاهیان)، ص ۲۷۳.

۳. دولت صفوی همواره به حفظ و گسترش روابط دیپلماتیک با حکومت‌های محلی دکن تمایل داشت، چراکه از طریق این روابط می‌توانست در تحولات دکن مؤثر باشد. (قریب، عوامل مؤثر بر روابط صوفیان با گورکانیان، ص ۲۹) بدیهی است که گورکانیان هند در مقابل، سراسر شبه‌قاره هند را قلمرو خود می‌دانستند و هر نوع رابطه بین سلاطین دکن و پادشاهان صفوی را با دیده سوءظن و نارضایتی می‌نگریستند و نفوذ صوفیان در این منطقه را دخالت در حوزه منافع سیاسی و اقتصادی خود به شمار می‌آوردند. (سعید الهی، روابط قطب‌شاهیان هند با پادشاهان صفوی،

درباره چگونگی آگاهی یافتن شاه‌طهماسب از تشیع نظام‌شاهیان به نقش سیدحسین مدنی (۱۱۲۰ ق) اشاره می‌نمایند. وی که در دربار برهان حضور داشت و از عزت و احترام خاصی برخوردار بود، پس از بازگشت از هند، به حضور شاه صفوی رسید و علاقه و محبت برهان‌شاه به اهل‌بیت پیامبر اسلام و کوشش‌های شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) را در جهت ترویج تشیع به اطلاع وی رسانید.^۱ از این‌پس نامه‌نگاری‌های سیاسی و تبادل سفرا بین این دو حکومت آغاز شد. آقا سلمان تهرانی مشهور به میر جمال که چراغچی دربار صفوی بود، به‌عنوان اولین سفیر ایران در این دوره از جانب طهماسب صفوی برای تبریک ترویج مذهب تشیع در دکن، همراه با هدیه‌ها و انگشتری عقیق منقوش به «التوفیق من الله» و فرمانی برای شاه‌طاهر به دربار احمدنگر وارد شد.^۲

در بررسی تاریخ سیاسی نظام‌شاهیان و صفویه نمی‌توان نقش شاه‌طاهر را به‌عنوان یک ایرانی نادیده انگاشت. وی با توجه به شناختی که نسبت به حاکمیت سیاسی صفویه داشت، توانست با درایت سیاسی، روابط فی‌مابین دو حکومت را افزایش دهد. شاه طاهر در اولین اقدام با موافقت برهان‌شاه، فرزندش شاه‌حیدر را با نامه‌ای به دربار شاه-طهماسب صفوی (۹۸۱-۹۱۹ ه.ق) فرستاد، در این نامه ضمن بیان اقداماتش در جهت گسترش تشیع، از شاه ایران خواست که به فرستنده و فرستاده عنایت ویژه‌ای مبذول دارد.

ص ۵۲، ریاض الاسلام، تاریخ روابط خارجی ایران و هند در دوره صفویه و افشاریه، ص ۱۴۷) چراکه سه حکومت شیعی جنوب هند با کمک حکومت صفویه توانستند مدت بیشتری در برابر فشارهای گورکانیان دوام آورند، این در حالی است که حکومت‌های متقارن عمادشاهیان و بریدشاهیان که اهل سنت بودند به دلیل نداشتن پشتوانه‌ای مستحکم به‌سرعت به زیر سیطره گورکانیان درآمدند.

۱. منشی قمی، خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۳۵۸.

۲. خورشاه بن قباد حسینی، تاریخ ایلچی نظام‌شاه، ص ۱۵.

شاه‌طهماسب به نامه او پاسخ داد و در این نامه طاهر را به «انتشار قواعد مذاهب حق» توصیه نمود و این اطمینان را به شاه‌طاهر داد که فرزندش همیشه موردعنایت شاه ایران خواهد بود.^۱ بنابراین شاهان صفوی در روابط فی‌مابین خود با شاهان هند، از تشیع و شعائر شیعی حمایت کرده و تشیع را تبلیغ می‌کرده‌اند. از آنجاکه مراسم محرم در تمامی شهرهای شیعه‌نشین دکن به صورت سالانه برگزار می‌گردید، ارتباط حکومت‌های شیعی دکن با صفویان علاوه بر نمودهای سیاسی، سبب ردوبدل شدن عقاید و انتقال مراسم مذهبی نیز می‌گردید. نفوذ این آیین را می‌توان در صنایع دستی هند در آن دوره مشاهده نمود، چراکه علم‌ها، بناها و عناصر سمبلیک زیادی را می‌توان در آثار هنرمندان این دوره یافت.^۲ نظام‌شاهیان بنا به مصالحی به تشیع روی آوردند تا بتوانند با برخورداری از حمایت صفویه، موازنه قوا را در مناسبات آنان با قدرت‌های هم‌جوار مانند گورکانیان برقرار نمایند و تحقق این مهم با کوشش شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) میسر شد.^۳ شخص شاه‌طاهر با موقعیت‌شناسی صحیح از سیاست به‌عنوان دست‌آویزی برای گسترش و حفظ تشیع اثناعشری در دکن استفاده نمود و بهترین دلیل اثبات این مدعا این است که پس از شاه‌عباس اول هنگامی که دیگر دولت صفوی حمایت چندانی از حکومت‌های شیعی دکن به عمل نیاورد، حکومت نظام‌شاهیان تنها پنج سال دوام آورد و به‌وسیله گورکانیان (۱۱۳۵ - ۹۳۲) از میان برداشته شد.^۴

۱. طباطبا، برهان‌مآثر، ص ۲۸۸-۲۹۱؛ خورشاه بن قباد حسینی، همان، ص ۱۸.

۲. پویا، بررسی تاریخ اسلام در حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا، ص ۶۸.

۳. رجوع شود به مقاله دلیر، نیره و سهراب‌زاده، خدیجه، جستاری در تغییر مذهب نظام‌شاهیان دکن، بازخوانی روایات تاریخی، ص ۱۲۳.

۴. صادقی علوی، تأثیر حکومت‌های شیعه‌مذهب دکن در گرایش به تشیع در این منطقه،

۴. نفوذ سیاسی شاه‌طاهر و رسمی شدن تشیع در حکومت برهان نظام‌شاه

بنیان‌گذار حکومت نظام‌شاهیان (۱۰۰۴-۸۹۶ ه.ق) زمانی که توانست حکومت خود را از پیکره قدرت بهمنیان (۹۳۲-۷۴۰ ه.ق) جدا کند و علم استقلال برافرازد، مذهب رسمی خود را تسنن حنفی اعلام نمود. در نتیجه به دلیل سابقه این مذهب در جنوب دکن با درگیری مذهبی چندانی در ابتدای حکومت خود روبه‌رو نشد، البته این به معنای یکدستی مذهبی در این حکومت نیست چراکه در این برهه علاوه بر حنفیان، گروهی از شافعیان و نیز عده‌ای قلیل از شیعه‌مذهبان نیز در این حکومت حضور داشتند.^۱ از طرف دیگر در طول چند سالی که حکومت نظام‌شاهیان با دشواری‌های سیاسی ناشی از اختلاف با بریدشاهیان (۱۰۲۸-۸۹۷ ق)، قطب‌شاهیان (۱۰۹۸-۹۱۸ ق) و شاه‌گجرات مواجه بود، شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) به‌عنوان مشاور در کنار برهان‌شاه بود.^۲ وی حتی در سال ۹۳۶ ق به نمایندگی از برهان نظام‌شاه به دربار بهادرشاه گجراتی رفت.^۳ این اقدام علاوه بر دستاوردهای سیاسی برای حکومت نظام‌شاهیان این فرصت را برای شاه‌طاهر هم فراهم آورد تا بتواند دانش ادبی و مذهبی خود را به همگان نشان دهد و زمینه‌ی نفوذ خود را در دربار احمدنگر تقویت کند.^۴ پس از حل اختلافات با حاکم گجرات که باتدبیر شاه‌طاهر منجر به صلح شد و بازگشت برهان و شاه‌طاهر از دربار گجرات، به دستور برهان‌شاه در قلعه احمدنگر برای شاه‌طاهر مدرسه‌ای ساخته شد که شاه‌طاهر هفته‌ای دو بار در این

۱. دلیر، سهراب زاده، جستاری در تغییر مذهب نظام‌شاهیان دکن، ص ۱۱۰.

۲. فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳، ص ۳۷۲-۳۷۵؛ اطهر رضوی، شیعه در هند، ج ۱، ص ۴۴۹؛

دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، صص ۴۴۲-۴۴۴.

۳. حسین‌اف، حیات علمی - فرهنگی دکن، ص ۸۸.

۴. اطهر رضوی، شیعه در هند، ج ۱، ص ۴۵۰.

مدرسه به تدریس می‌پرداخت. این مجلس درس مورد استقبال تمام علمای شهر و شخص برهان شاه قرار گرفت.^۱

برهان نظام‌شاه با دعوت از علما، سادات و فضلالی شیعه از نقاط مختلف مانند آگرا، گجرات، عراق، خراسان و فارس به دکن^۲ و دادن موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی به آن‌ها مانند تدریس در مدرسه تازه تأسیس «لنگر دوازده امام» که یکی از مراکز بزرگ علمی دکن بود،^۳ زمینه را برای قدرت‌گیری تشیع آماده نمود.^۴ در واقع مهاجرت هر گروه، زمینه مهاجرت‌های بعدی را آماده می‌کرد. حاصل این مهاجرت‌ها، تغییر ترکیب جمعیت دکن به نفع شیعیان بود.^۵ ورود علما و سادات علاوه بر شرکت در مسائل سیاسی، تأثیر ماندگار دیگر در دکن بر جای نهادند و باعث ترویج و رشد تشیع در دکن گردیدند. شاه‌طاهر خود از سادات خواندیه قزوین بود و حضور فرزندان و نوادگان او در دکن موجب شد تا تعدادی از شیعیان از سرزمین‌های مختلف به‌ویژه ایران در این منطقه گرد هم آیند به‌طوری‌که پس از تجزیه حکومت نظام‌شاهیان، تشیع در قلمرو برخی جانشینان آنان به‌عنوان مذهب رسمی انتخاب شد. به‌علاوه عالمان، صوفیان و ایرانیانی که برای پیوستن به آنان به دکن مهاجرت کردند به رشد و توسعه زبان فارسی در این منطقه کمک زیادی کردند.

۱. معصوم‌علیشاه، طرائق‌الحقایق، ج ۳، ص ۱۳۸.

۲. فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳، ص ۳۷۱.

۳. حسین‌اف، حیات علمی-فرهنگی دکن، ص ۵۴.

۴. حسین‌اف، حیات علمی-فرهنگی دکن، ص ۳۱.

۵. معصومی و اصغری، پیامد مهاجرت شیعیان به دربار حکومت‌های شیعی دکن (قطب‌شاهیان،

عادل‌شاهیان، نظام‌شاهیان)، ص ۱۰۲.

در این زمان به همت و توصیه «شاه طاهر» برخی از حقوق و مواجبی که پیش‌ازاین به اهل سنت اختصاص داشت به شیعیان تعلق گرفت. همچنین مبالغی به نجف و کربلا برای کمک به زوار مستحق فرستاده می‌شد. این اقدامات مالی زمینه‌ساز رشد و تقویت تشیع در احمدنگر را فراهم نمود.^۱ در نتیجه‌ی تلاش‌های شاه طاهر، آداب و آیین‌های شیعی نیز در این دوره توسط مهاجران ایرانی رواج پیدا نمود. براین اساس، در این عصر جشن مولد نبی در احمدنگر باشکوه هرچه تمام برگزار و سادات تکریم می‌شدند.^۲ شاه‌طاهر سرانجام در سال ۹۵۶ هجری درگذشت و بعدها استخوان‌هایش را به کربلا بردند و در جوار امام حسین به خاک سپردند.^۳ وی از نظر اخلاقی تأثیری ماندگار بر جامعه دکن داشت.

نتیجه‌گیری

نظام‌شاهیان (۱۰۴۶-۸۹۵ ه.ق) یکی از امارت‌های مهم شیعی در جنوب هندوستان و دکن بود که توسط احمدنظام شاه (۹۱۶-۸۹۵ ه.ق)، با مرکزیت شهرهای «جنیر» و «احمدنگر» تأسیس شد. یکی از مسائل مهم در رابطه با این امارت و حکومت، جایگاه و نقش نخبگان و علمای شیعی همچون شاه‌طاهر (۱۰۰۴-۸۹۶ ه.ق) در تحولات مذهبی و سیاسی این دوره است.

از آنجاکه گسترش معارف شیعی همواره یکی از رسالت‌های دولت‌های شیعه بوده است که در دوره‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. از جمله عالمان ایرانی که در تقویت

۱. فرشته، تاریخ فرشته، ج ۳، ص ۳۷۱-۳۷۲؛ معصوم‌علیشاه، طرائق‌الحقایق، ج ۳،

ص ۱۴۴-۱۴۵؛ اطهر رضوی، شیعه در هند، ج ۱، ص ۴۵۴-۴۵۵.

۲. طباطبا، برهان‌مآثر، ص ۳۶۲.

۳. دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۶۰.

هویت شیعی و گسترش فرهنگ تشیع در بین ساکنان منطقه دکن مؤثر بودند و در این زمینه تلاش نمود می‌توان به شاه‌طاهر (۱۰۰۴-۸۹۶ ه.ق) اشاره کرد. وی نقش بسیار مهمی در تثبیت حکومت نظام‌شاهیان و سرکوب شورش‌ها و مخالفت‌های آن عصر داشت و با دعوت از شیعیان و سپردن مناصب به آن‌ها و ساخت مسجد و مدرسه نقش بسیار مهمی در تحولات فرهنگی و سیاسی دکن به خصوص تعمیق و گسترش باورهای شیعی داشت. وی با فعالیت در زمینه‌های ذکرشده در مناطقی که پیش‌ازاین کمترین شناخت نسبت به تشیع وجود داشت، توانست بیشترین اثرگذاری در بین ساکنان این مناطق جهت آشنایی با آموزه‌های مذهب تشیع را بر جای گذارد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بهره‌گیری از سیاست به نفع مذهب تشیع، زمینه‌سازی اذهان عمومی، تشکیل جلسات مناظره با علمای مختلف در حمایت از تشیع، دعوت از علمای مشهور شیعی برای تدریس در مدرسه «لنگر دوازده امام» در احمدنگر، اعمال نفوذ کلمه بر شاهان نظام‌شاهی، تدریس در مدارس مذهبی احمدنگر، حمایت از برگزاری مراسم عاشورای حسینی، تلاش برای برقراری مناسبات حسنه بین نظام‌شاهیان (۱۰۴۶-۸۹۵ ه.ق) و صفویه و جلب کمک‌های شاه‌طهماسب، استفاده کوتاه‌مدت از تقیه در هنگامه‌های خطیر و زمینه‌سازی برای مهاجرت شیعیان ایرانی به دکن از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های شاه‌طاهر (۹۵۲-۸۸۰ ه.ق) در ترویج مذهب تشیع در فلات دکن بوده است.

در تحلیلی نهایی باید افزود به‌رغم تلاش‌هایی که شاه‌طاهر برای نهادینه شدن تشیع در جامعه احمدنگر و دکن نمود ظاهراً به نتیجه موردنظر خود نرسید؛ دلایل این امر را می‌توان در عواملی مانند امکانات، فعالیت‌ها و تبلیغات پیروان سایر ادیان و مذاهب؛ عدم نفوذ مستقیم حکومت‌های شیعه در مناطق روستایی و در بین بومیان هند و درنهایت ضعف دانش فقهی شیعیان در این دوره در دکن عنوان نمود. همچنین با دقت و تأمل در تاریخ شیعیان در دکن به‌عنوان یک اقلیت دینی، چنین استنباط می‌شود که شیعیان بیش از آن که به‌عنوان مذهب تشیع به لحاظ اعتقادات دینی و آئین‌های مذهبی خودشان با

پیروان دیگر اقلیت‌های دینی و مذاهب آنان اختلافاتی داشته باشند؛ به لحاظ ساختار و بافت جداگانه و مستحکم درونی که آن‌ها را به صورت یک جامعه مستقل و متمایز از دیگران نشان داده است؛ بازشناخته می‌شوند. در واقع شیعیان هیچ‌گاه قابل قیاس با سایر اقلیت‌های دینی نبودند، چنان‌که در بخش‌های مختلف این نوشتار مشاهده شد، در هند و با تغییر مراکز مهم سیاسی یا تغییر حاکمیت‌ها و شکل‌گیری مراکز جدید قدرت، شیعیان به سرعت در مراکز جدید قدرت مستقر می‌شدند. در نهایت باید گفت نفوذ و گسترش تشیع در دکن بنا بر شواهد و قراین موجود، معلول و محصول فعالیت‌های مسالمت‌آمیز و تعاملات علمی-فرهنگی گروه‌هایی از شیعیان چون دیوان‌سالاران، بازرگانان، صوفیان، عارفان و عالمان بوده است.

منابع

۱. ابن بطوطه، رحله، تحقیق محمد عبدالمنعم العریان، بیروت، ۱۴۰۷ ق/ ۱۹۸۷ م.
۲. اطهر رضوی، سید عباس، شیعه در هند، ج ۱، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ ش.
۳. امیر اسمی، کامبیز، *اسماعیلیه نزاری ایران از سقوط الموت تا آغاز امامت آقاخان سوم با تأکید بر دوره قاجاریه*، پایان نامه ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸ ش.
۴. امین، حسن، *اسماعیلیان و مغول و خواجه نصیرالدین طوسی*، دائرةالمعارف فقه اسلامی، قم، ۱۳۸۳ ش.
۵. امینی، زلیخا و رضوی، سید ابوالفضل (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، خودی و دیگری مذهبی در تاریخ نگاری عالم آرای امینی، مجله تاریخ نگاری و تاریخ نگری، دانشگاه الزهراء، سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۱۹، پیاپی ۱۰۴، ۱۳۹۱.
۶. انوشه، حسن، *ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)*، دانشنامه ادب فارسی، جلد چهارم، بخش یکم: آ-ج، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۷. بیگ باباپور، یوسف و همکاران، *شیعیان شکرستان هند (تذکره شعرا و ادبای شیعی در شبه قاره هند)*، انتشارات منشور سمیر، ۱۳۹۴ ش.
۸. پویا، مریم، *بررسی تاریخ اسلام در حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا*، سازمان جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۹۴ ش.
۹. تأمر، عارف، *طاهر شاه: النزاری الأموتی*، چاپ الدراسات الأدبیه، السنة الأولى، العدد ۱، ۱۹۵۹ م.
۱۰. حسنی، عبدالحی، *نزّهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر*، جلد چهارم، بیروت لبنان، نشر ابن حزم، ۱۹۹۹ م.
۱۱. حسین آف، سید جلال، «*حیات علمی-فرهنگی دکن*»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۸، دوره جدید، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. خراسانی فدائی، محمد بن زین العابدین، *هدایت المومنین الطالبین معروف به تاریخ اسماعیلیه*، تصحیح و اهتمام الکساندر سیمیونوف، مسکو، ۱۹۵۹ م.

۱۳. خورشاه بن قباد حسینی، *تاریخ ایلچی نظام‌شاه*، تصحیح، تحشیه، توضیح و اضافات محمدرضا نصیری، کوئیچی‌هانه دا، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. خورشیدی، معصومه، ناصری طاهری، عبدالله و فروزش، سینا، *تقد و تحلیل رویکرد محققان در ادعای شکل‌گیری فرقه مومن‌شاهی*، مجله تاریخ و فرهنگ، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲، دوره ۴۹، ۱۳۹۶ ش.
۱۵. دانش‌نامه جهان اسلام، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، جلد اول.
۱۶. دفتری، فرهاد، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، نشر و پژوهش فروزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۷. دلیر، نیره و سهراب‌زاده، خدیجه، *جستاری در تغییر مذهب نظام‌شاهیان دکن، بازخوانی روایات تاریخی*، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، شماره ۱۷، سال پنجم، ۱۳۹۴ ش.
۱۸. ریاض الاسلام، *تاریخ روابط ایران و هند (در دوره صفویه و افشاریه)*، ترجمه محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۷ ش.
۱۹. الهی، امیر سعید، *روابط قطب‌شاهیان هند با پادشاهان صفوی*، فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۱، سال سوم، ۱۳۸۱ ش.
۲۰. شاه‌نواز خان، میر عبدالرزاق صمصام الدوله، *مآثر الامرا*، ج ۳، کلکته، مطبع آردوکائید، ۱۸۸۷ م.
۲۱. شوشتری، قاضی نورالله، *مجالس المومنین*، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۲۲. صادقی‌علوی، محمود، *تأثیر حکومت‌های شیعه‌مذهب دکن در گرایش به تشیع در این منطقه*، شیعه پژوهی، شماره چهاردهم، سال چهارم، ۱۳۹۷ ش.
۲۳. ضابط، حمیدرضا، *تشیع در شبه‌قاره هند*، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۲، ۱۳۷۷ ش.
۲۴. طباطبا، سیدعلی، برهان‌مآثر، دهلی، مطبع جامعه‌دهلی، ۱۹۳۶ م.
۲۵. عالمی، خدیجه، *ملوک بهمینی و جایگاه تشیع در دکن*، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال دهم، شماره ۳۹، ۱۳۹۱ ش.

۲۶. علامی، ابوالفضل، اکبر نامه، ج ۲ و ۳، تصحیح احمدعلی و عبدالرحیم، کلکته، انجمن آسیایی بنگاله، ۱۸۸۷ م.
۲۷. فرقانی، محمد فاروق، تاریخ اسماعیلیان قهستان، تهران، انجمن مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.
۲۸. قاتدان، اصغر، پیدایش و گسترش تشیع در هند با تأکید بر نقش ایرانیان، فصل نامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۲۳، ۱۳۸۴ ش.
۲۹. قریب، قاسم، عوامل مؤثر بر روابط صفویان با گورکانیان، فصل نامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۷۴، ۱۳۹۷ ش.
۳۰. قنادی، محمدرضا، مبانی مشروعیت دولت صفویه، مسکویه، پیش شماره ۳، ۱۳۸۵ ش.
۳۱. گوپاموی، محمد قدرت الله، الافکار تذکرة نتایج، تصحیح و تعلیق یوسف بیگ باباپور، قم، نشر مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۳۲. لین بول، استانلی، تاریخ طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش.
۳۳. محمد یوسف، ذیل تاریخ عالم آرای عباسی، به تصحیح سهیلی خوانساری، چاپ کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۱۷ ق.
۳۴. معصوم شیرازی، محمد (معصوم علیشاه)، طرائق الحقایق، تصحیح محمدجعفر محجوب، جلد سوم، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۴۵ ش.
۳۵. معصومی، محسن (۱۳۸۴) نقش صوفیان در تشکیل و تداوم حکومت بهمنیان، مجله تاریخ اسلام ۱۳۸۴ شماره ۲۱.
۳۶. معصومی، محسن، فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی دکن در دوره بهمنیان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.
۳۷. معصومی، محسن؛ اصغری، فاطمه، پیامد مهاجرت شیعیان به دربار حکومت های شیعی دکن (قطب شاهیان، عادل شاهیان، نظام شاهیان)، پژوهش نامه تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۵۱، شماره ۱، ۱۳۹۷ ش.

۳۸. معماری، رزا، *تاریخ اسماعیلیه/انجمن (قرن ۹-۱۲ هجری)* پایان‌نامه ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۱ ش.
۳۹. منشی قمی، خلاصه التواریخ، تصحیح: احسان اشراقی، تهران، ۱۳۸۳.
۴۰. موسوی، سیده‌اشم و دیگران (۱۳۹۹)، نقش عالمان شیعه مهاجر ایرانی در گسترش معارف شیعی دکن (مطالعه موردی دوره عادل‌شاهیان و نظام‌شاهیان)، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام شماره ۲.
۴۱. نجاتی حسینی، راضیه، *نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در هند از حمله مغول تا پایان دوره صفویه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ ش.
۴۲. نفیسی، سعید، *تاریخ نظم و نشر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن ۱۰ هجری*، منبع الکترونیکی، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۹۳ ش.
۴۳. هالیستر، جان نورمن، *تشیع در هند*، ترجمه آذرمی دخت مشایخ فریدونی، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳ ش.
۴۴. هدایت، محمدهادی رضا قلی خان، *تذکره ریاض‌العارفین*، به کوشش سید رضی واحدی و سهراب زارع، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹ ش.
۴۵. هندوشاه‌استرآبادی، محمدقاسم، *تاریخ فرشته (از عادل‌شاهیان تا بریدشاهیان)*، تصحیح و تعلیق و توضیح: محمدرضا نصیری، تهران، انجمن مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
۴۶. یاری، سیاوش و مریم کناریوند، *نقش دیوان‌سالاران ایرانی در گسترش تشیع در دکن عصر بهمنی‌ها*، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، دوره ۷، شماره ۲۳، ۱۳۹۴ ش.